

نوبهاری که زود خزان شد

یادی از نیما نهاوندیان، مجری جوان رسانه ملی که در سوم دی ۱۳۹۱، ناباورانه از میان مارفت



آزاده چشمه سنگی نویسنده

سه شب از دورهمی گرم خانواده نیما نهاوندیان گذشته بود. او هم مثل باقی اعضای خانواده، پای سفره پیدا بارها خندیده بود و گفته بود و شنیده بود و از طولانی ترین شب سال لذت برده بود. بی آنکه بداند این سی و دومین پیدای زندگی اش، آخرین در پیچه نگاه او به

زمستان است.

سپس خانه خاله اش را به مقصد منزلش ترک کرده بود و پس از سه روز، نه تنها بارها تماس تلفنی مادر و سایر دوستان و آشنایانش با او بی پاسخ مانده بود. که نامش در فهرست بیماران هیچ بیمارستانی نیز به چشم نمی خورد.

قرار بود دوم دی به خانه خاله اش برود. اما هیچ کس از او خبر نداشت تا اینکه مادر و خاله و پسر خاله اش در نهایت استیصال خود را به پشت در بسته خانه اش رساندند و بعد با کمک همسایه، قفل در را شکستند و وارد شدند.

نیما، روی تخت خوابش افتاده بود.

درست مثل کسی که خوابیده، اما پس از مدت کوتاهی دریافتند چشم های نیما برای همیشه بسته شده و تماس با مأموران کلانتری ۱۳۷ شهرآرا، تنها چاره خانواده نهاوندیان برای باور این فقدان دردناک بود. با حضور پلیس جنایی و آغاز تحقیقات اولیه برای بررسی علت مرگ، هیچ آثاری از قتل یا اقدام به خودکشی در

او پیدا نبود. در خانه و شرایط منزل هم شواهدی مبنی بر ورود به زور یا درگیری و سرقت و قتل وجود نداشت. پس از آن بود که چشمان مهیبت بازماندگان نیما نهاوندیان به تشخیص پزشکی قانونی بود. سرانجام پس از دوماه اعلام شد،



ورزش از نگاه دو

ورزش از نگاه دو، که نیما نهاوندیان به طور جدی با آن به عموم مخاطبان تلویزیون معرفی شد. تنها برنامه ورزشی شبکه ۲ سیماست که به عنوان یکی از قدیمی ترین برنامه های ورزشی صداوسیما پس از انقلاب اسلامی به فعالیت خود ادامه می دهد. این برنامه در ابتدا با اجرای جهانگیر کوثری، روی آنتن تلویزیون رفت و طی چند سال

اما با آغاز دهه ۸۰ با سودای ورود به شبکه های رسانه ملی، راهی پایتخت و از طریق واحد تأمین شبکه ۲، به اصغر شریف کاظمی، تهیه کننده موفق تلویزیون معرفی شد.

این برجسته ترین نقطه عطف در کارنامه کاری نیما بود. شریف کاظمی که پیش از این، تهیه کنندگی برنامه درخشان «سینمای اندیشه» را با اجرای ماندگار علی

بنابراین هم زمان با قبولی در دانشگاه، به صداوسیما گرگان نیز وارد شد و علاوه بر همکاری با واحد خبر، در رادیوایران استان نیز به گویدگی و گزارشگری مسابقات بسکتبال مشغول شد،

همان طور که دیگران تاکنون بدی ها و زده اند، اما چرا جامعه چنین می کند؟ چون اگر رسم پوشاندن عیوب و افتد، صبر و تحمل اندک شده و به گفته قدیمی ها سنگ روی سنگ بند نمی شود. در چنین حالتی بیم می رود که پرده های حیاور افتد، کوچک تر حرمت بزرگ تر، شاگرد حرمت استاد، فرزند، احترام پدر و مادر و دوست رعایت حال رفیق دیرینه را نکنند، اما رسم نادیده انگاری

است می بینی و خود را به نادیدن می زنی تا بشود همچنان در کنار هم زندگی کرد.

چرک های تورا دیده و خود را به ندیدن زده اند، اما چرا جامعه چنین می کند؟ چون اگر رسم پوشاندن عیوب و افتد، صبر و تحمل اندک شده و به گفته قدیمی ها سنگ روی سنگ بند نمی شود.

در چنین حالتی بیم می رود که پرده های حیاور افتد، کوچک تر حرمت بزرگ تر، شاگرد حرمت استاد، فرزند، احترام پدر و مادر و دوست رعایت حال رفیق دیرینه را نکنند، اما رسم نادیده انگاری



روزنامه نگار سید محسن موسوی زاده

و برخی در طینت، اما جامعه به راستی متوجه شده که زندگی در کنار یکدیگر به معنی گذر سکوت آمیز از کنار عیوب دیگران است، عیوبی که در برخی موارد ممکن است ما را تا حد انفجار هم پیش ببرد. از کنار همکار، همسایه یا فامیلی می گذری و چشم در چشم او می شوی و با علم به آنچه که او در حق تو کرده و درباره ات گفته یا او خوش و بشی می کنی و می گذری. برخلاف برخی که تصور می کنند این دورویی است، این رسم نانوشته برای ادامه زیستن در کنار یکدیگر است.

توبدی ها و چرک هایی را که در طرف مقابل

این طرف مشتی صدف آنجا کمی گل ریخته..... موج، ماهی های عاشق را به ساحل ریخته بعد از این در جام من تصویر ابر تیره ای است بعد از این در جام دریا ماه کامل ریخته مرگ حق دارد که از من روی برگردانده است زندگی در کام من زهر هلاهل ریخته هر چه دام افکندم، آهو ها گریزان تر شدند حال صدها دام دیگر در مقابل ریخته هیچ راهی جز به دام افتادن صیاد نیست هر کجا پا می گذارم دامنی دل ریخته زاهدی با کوزه ای خالی ز دریا بازگشت گفت خون عاشقان منزل به منزل ریخته

چکامه

فاضل نظری



● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی ● صاحب امتیاز: سید محمد مهدی ● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر ● سردبیر: سید مسعود طلوع هاشمی ● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵ ● دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ ● نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ ● روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ ● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir



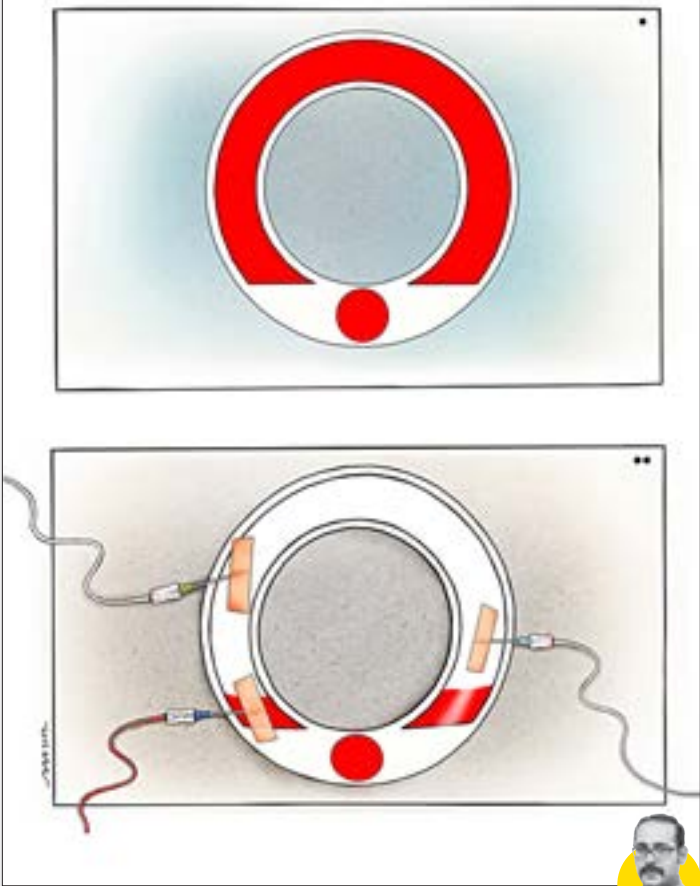
ميثاق نامه اخلاق حرفه اي

دمای هوای مشهد		۵۰٪	↑ ۷° ↓ ۱۸°
	صبح ۹		ظهر ۱۷
	عصر ۱۳		شب ۸

- اذان ظهر ۱۱:۳۰:۵۸ نیمه شب شرعی ۲۲:۴۵:۳۴
- غروب آفتاب ۱۶:۲۱:۳۲ اذان صبح فردا ۰۵:۱۰:۰۲
- اذان مغرب ۱۶:۴۲:۰۲ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۴۰:۲۳

کارتون

شهر



در حاشیه وضعیت وخیم ذخایر خونی و کمبود خون در خراسان رضوی



مجید ادیبی

شوخی

بی شوخی

حباب، دونه ای ۵میلیون!

گپ و گفتی با رئیس سازمان کنترل حباب های اقتصادی

● تا حالا مسئولان اقتصادی، خودشون به صورت مستقیم حبابی رو ترکوندن؟ ● بله! اتفاقاً همین چند ماه پیش دیدیم یارانه چند میلیون نفر ۴۰۰ هزار تومن هست، حس کردیم صد هزار تومانش حباب هست و لذا زدیم حباب رو ترکوندیم و خیلی از یارانه های چهار صد هزار تومانی به سیصد هزار تومانی کاهش یافت.

● یک سؤال دیگه هم داشتیم، چرا این حباب ها فقط توی قیمت مسکن و ماشین و سکه هست؟ چرا مثلاً حقوق کارمنداها و کارگراها یک حباب پنج شش میلیون تومنی در حد حباب سکه نداره؟

● این نشون میده ما تو خیلی جاها حباب رو به صورت کامل کنترل و مهار کردیم و کسانی که میگن حباب های قیمتی از کنترل خارج هستن کاملاً در اشتباه اند!

● در پایان اگر توصیه خاصی به مردم درباره حباب ها دارید بفرمایید:

● ببینید من هم مثل مردم مشکل حباب دارم، حباب ها رو باید پذیرفت و با اون ها زندگی کرد. من خودم گلس روی گوشی آیفون ۱۴ پرو مکس خودم روش به حباب داره، گلس دو تا گوشی دیگه هم من همین طور حباب داره، ولی برای همراهی با مردم تحملش می کنم، حتی برای پسر خودم یک حباب ساز خریدم که اون هم زندگی با حباب رو مثل مردم تجربه کنه.

در پایان خواستیم با مسئول این سازمان خدا حافظی کنیم که متوجه شدیم چنین سازمانی وجود ندارد و همه این ها یک حباب خیالی بوده است.

رئیس اتحادیه طلا و جواهر گفته است که قیمت هر قطعه سکه حدود ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حباب دارد. به خاطر این حباب و بقیه حباب ها رفتیم سراغ سازمانی که اسمش را حتی خود ما هم نشنیده بودیم، یعنی سازمان کنترل کیفیت حباب های اقتصادی و با رئیس این سازمان گفت و گو کردیم:

- چرا جلور شد این حباب ها رونمی گیرین؟
- ما عمداً گذاشتیم حباب سکه بیشتر بشه، آخه شما نمی دونین! از لحاظ علمی هر چی یک حباب بزرگ تر بشه، زود تر می ترکه.
- ببخشید آقای مسئول، ولی مردم میگن چقدر باید صبر کنند تا حباب ها بترکند.
- متأسفانه مردم صبرشون خیلی کمه! می خوان دوسه روزه حباب ها تخلیه بشه که این ناشدنی است، در صورتی که من این اطمینان خاطر رو میدم که در دوسه هزار سال آینده این حباب ها تخلیه می شوند. اگر در این مدت نترکید من خودم شخصاً استعفا میدم.

● واقعا تعجب برانگیزه که این ها چطور حبابی هستند که اصلاً قابل ترکیدن نیستند؟

● اینکه حباب های قیمتی در اقتصاد ما این قدر محکم هستند، یعنی ما تونستیم یک اقتصاد محکم و مقاوم بسازیم، حتی یکی از خودروساز ها گفت کاش می شده جای اینکه با حلب روغن نباتی ماشین بسازن، با حباب های قیمتی که اتفاقاً ضد ضربه هم هستند خودرو بسازن. تازه یکی از اقوام هم که برج ساز هستن، گفته اند میشه با این حباب برج ضد زلزله ساخت اصلاً.